

کمدین‌هایی که مخاطب را با سینما آشتی دادند



محدثه

واعظی پور

روزنامه‌نگار

پس از رکود طولانی سال‌های کرونا و در پی افزایش بهای کالاها و خدمات و رخوت حاکم بر سالن‌های سینما، در یک سال اخیر، رونق گیشه، اغلب محصول تولید و اکران فیلم‌های کمدی بوده است. اینکه چرا کمدی تولید می‌شود و سریع‌تر به اکران می‌رسد و در اکران مخاطب بیشتری دارد، مسأله مهمی است، اما موضوع این یادداشت نیست. موضوع این یادداشت بازگرانی هستند که در این روزهای عجیب سینمای ایران، واسطه آشتی مخاطب با سینما هستند. چه دوستشان بداریم، چه از آنها دل خوشی نداشته باشیم، حضورشان عامل رونق سالن‌هاست. رضا عطاران که ورودش به سینما در سال‌های آغازین فعالیتش جز شکست به دنبال نداشت، در دهه ۸۰ و ۹۰ و در یکی دو سال اخیر، عامل فروش کمدی‌ها و حتی فیلم‌های جدی بسیاری بوده است. عطاران این روزها، پس از غیبتی

طولانی «دفتربادداشت» را در شبکه نمایش خانگی و «ویلاهای ساحلی» (کیانوش عیاری) را روی پرده دارد. عیاری، نامی است که نمی‌توان به سادگی از کنار اکران فیلمش گذشت، و کارگردان محترم و محبوب سینمای ایران که فیلم جنجالی «خانه پدری» را هم در کارنامه دارد، پس از چند پروژه ناکام بالاخره با «ویلاهای ساحلی» به سینما برگشته؛ فیلمی که در حد و اندازه بهترین‌های کارنامه سازنده‌اش نیست اما نمایش آن از دو جنبه قابل توجه است. نخست اینکه با وجود دردسرهای فراوان «کاناپه» و «خانه پدری»، عیاری فرصت فیلمسازی یافته و نکته بعدی اینکه با توجه به رونق سینمای کمدی در این یک سال، مجبور شده با فاصله از دغدغه‌های همیشگی‌اش با فضای موجود همراه شود. «ویلاهای ساحلی» بیش از ۳۴ میلیارد تومان فروخته که رقم قابل قبولی است و بخش مهمی از این اقبال را باید به پای دو بازیگر اصلی آن، رضا عطاران و پژمان جمشیدی نوشت.

جمشیدی پرکار، در این سال‌ها، پستی ثابت کمدی‌ها بوده و عمده محبوبیتش را به پای این آثار ریخته

است. فروش خوب اغلب فیلم‌های او باعث شده حالا، همزمان «هتل» (مسعود اطیابی) روی پرده باشد، «ویلاهای ساحلی» اکران شود و «شهر هرت» (کریم امینی) به نمایش درآید. در کم فروغ شدن سینمای اجتماعی و فیلم‌هایی با گرایش هنری، او پرکار است و بخش عمده فروش سینمای ایران را رقم می‌زند. اتفاقی که باعث اقبال تهیه‌کنندگان به بازیگری شده که کمتر کسی گمان می‌کرد این چنین محبوب و پرکار شود. «هتل» بیش از ۲۲۰ میلیارد تومان و «شهر هرت» بیش از ۷۷ میلیارد تومان فروخته و نمایششان همچنان ادامه دارد.

دیگر ستاره این روزهای سینما، بهرام افشاری است که پس از درخشش در تئاتر، بالاخره در سینما کشف شد. اگرچه بازی در «فسیل» (کریم امینی) او را یک شبه به موفقیتی ویژه رساند اما آنهایی که حضورش را روی صحنه دیده‌اند، خوب می‌دانند افشاری، بازیگری مستعد و منعطف است؛ ستاره‌ای که سینمای عامه‌پسند حساسی ویژه برایش باز کرده است، «فسیل» با فروش بیش از ۳۰۵ میلیارد تومانی نه تنها بسیاری از رکوردها را جا

به جا کرد بلکه پرفروش‌ترین فیلم امسال نیز شد و در صدر جدول قرار گرفت. سینما در هر دوره به ستاره نیاز دارد، بدون ستاره، سینما بی‌معنی است. شور و عشق، سینمای بی‌معنی است. ستاره‌ها، محصول یک درخشش تحلیل روند فعالیت و درخشش خسرو شکیبایی، محمدرضا فروتن، هدیه تهرانی، نیکی کریمی، پرویز پرستویی و... بدون بررسی شرایط اجتماعی و سیاست‌های فرهنگی که در آن رشد کردند و دیده شدند، میسر نیست.

اقبال مردم به سینمای کمدی، به تماشای پژمان جمشیدی، رضا عطاران و بهرام افشاری، محصول شرایط است. اگرچه در همین سینما، فیلم خوب «ملاقات خصوصی» (امید شمس) یا فیلم جذاب «علفزار» (کاظم دانشی) هم ساخته می‌شوند که در دومی، با قضا، پژمان جمشیدی متفاوتی را می‌بینیم و اقبال مردم به این آثار تلخ اجتماعی، امیدوارکننده است. با این همه، سینما برای زنده ماندن به فروش نیاز دارد و فعلاً، کمدی‌ها هستند که چراغ سینما را روشن نگه داشته‌اند.

سینما در هر دوره به ستاره نیاز دارد، بدون ستاره، سینما بی‌معنی است. ستاره‌ها، محصول یک دوره‌اند

عوامل «ناکجا آباد» از تجربه همکاری در این کنسرت نمایش گفته‌اند

موسیقی و نمایش میزبان یکدیگرند

فرهنگی

کنسرت- نمایش «ناکجا آباد» این روزها با آهنگسازی پیمان خازنی و کارگردانی سپیده صباغ روی صحنه رفته است. کنسرت- نمایشی که با متن محمود توسلیان و خوانندگی میثم اکبری روایتگر قصه‌ای از ادبیات عامیانه است و داستان عاشقانه‌ای از عشق ملک سلیم به دختر شاه پریان را با موسیقی روایت می‌کند. با پیمان خازنی، سپیده صباغ و ملیتا فرجی در خصوص اجرای این اثر گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

خود محورها، میهمانان صحنه‌اند
پیمان خازنی، آهنگساز و نوازنده کنسرت- نمایش «ناکجا آباد» در رابطه با قالب اصلی این اثر به «ایران» گفت: در «ناکجا آباد»، موسیقی و نمایش میزبان یکدیگرند. اصولاً در هم‌نشینی هنرها چیزی تحت عنوان میزبانی و میهمانی نداریم و این مرزبندی‌ها گاهی از غرور کاذب ما نشأت می‌گیرد. فراموش نکنیم هنر تاج سرآفرینش است. وقتی از رفتار غیر فرمال و تجربه‌گری در «ناکجا آباد» سخن به میان می‌آوریم، در تالاشیم تا مخاطب را به مینی مالی از جنس فرهنگ نزدیک کنیم. در چنین رویکردی بهتر است مخاطب را آزاد بگذاریم تا خودش تصمیم‌گیری کند که اکتون در نمایش شنیده است یا در کنسرت. تکلیف کار، در کنسرت نمایشی که سال گذشته آهنگسازی کردم و «چشم جادو» از دل آهنگسازی هایم متولد شد، در پوستر مشخص بود و به درستی از عبارت کنسرت نمایش استفاده شد و حرمت اولویت واژگان به درستی حفظ شد ولی «ناکجا آباد» ماجرابی متفاوت است. «ناکجا آباد» یک مدیوم فرهنگی است.

او در پاسخ به این سؤال که چقدر آثار ترکیبی در حوزه هنر را دنبال می‌کند، توضیح داد: «فرمی که بازیگران بخوانند و خوانندگان بازی کنند» «پورت» نام دارد؛ فرمی که هزاران بار در طول تاریخ اجرا شده است. چند روز پیش با لوریس چکناواریان بزرگ کپ می‌زدیم و ایشان از اثری که نام «سیرمخ» برای من گفتند که ۶۰ سال پیش چنین تجربه‌ای را با موسیقی، ساز ایرانی، صحنه نمایش و بازی، اجرا کرده‌اند. اینکه فکر کنیم ما اولین و آخرین نفر هستیم که چنین کاری را انجام می‌دهیم، اشتباه است. محمد رحمانیان و پری صابری هم از جمله هنرمندانی هستند که در نمونه‌های هنری صحنه‌های موسیقی و نمایش در زائر خودشان خاص و تأثیرگذار بوده‌اند؛ فراموش نکنیم تأثیرگذار بودن در هنر امر دشواری است.»

«اصولاً به پخش صدای ضبط شده در اجرای زنده علاقه‌ای ندارم و صوت زنده را در صحنه زنده ترجیح می‌دهم. این امر در ایران کمی عجیب به نظر می‌آید ولی در غرب امری عادی است. طراحی این صداها بر اساس مترال استیل توسط آستینز ضایعی است که بیشتر در زمینه صدا و شهر فعال بوده است.»

بخشی از وجود هر انسان، موسیقی است

سپیده صباغ، کارگردان و بازیگر کنسرت- نمایش «ناکجا آباد» نیز در رابطه با ایده اولیه طراحی صحنه این کنسرت نمایش به «ایران» گفت: «اصولاً برای کارگردانی، طراحی لباس و طراحی صحنه خیلی از آدم‌هایی از وادی موسیقی بود که البته با همکاری و همراهی صمیمانه‌شان توانستیم به زبانی مشترک برسیم.»

تلاش کردم تا همین رویه را در پیش بگیرم. به طور مثال سفر شخصیت اصلی قصه برای من تداعی‌گر سفر قهرمان است. پس به اسطوره‌ها و

نمادها رجوع کردم. عنصری مثل آب را در دست‌چو کرده و دراماتیزه‌اش کردم و به شکل مینی مال در طراحی صحنه به کار بردم.»

او در پاسخ به این سؤال که تعامل بین بازیگران و نوازندگان چطور در این کار پیش رفته است، توضیح داد: «پیش از این با جناب خازنی آهنگساز کار کرده و با تعدادی از عزیزان خواننده و نوازنده سابقه همکاری داشتیم و در نتیجه شناخت نسبتاً خوبی هم از روحیات و خلیقیات هم داشتیم اما در مجموع از آن جایی که موسیقی و تئاتر دو وادی متفاوت از هم هستند، بزرگ‌ترین چالش من در کارگردانی این کار تعامل با آدم‌هایی از وادی موسیقی بود که البته با همکاری و همراهی صمیمانه‌شان توانستیم به زبانی مشترک برسیم.»

تلاش کردم تا همین رویه را در پیش بگیرم. به طور مثال سفر شخصیت اصلی قصه برای من تداعی‌گر سفر قهرمان است. پس به اسطوره‌ها و



است که می‌افتد و تصمیماتی که ما می‌گیریم. این پروژه هم از این قاعده مستثنی نیست. فکر می‌کنم می‌شود اسم جرقه شکل‌گیری ایده را اتفاق و اسم مسیری که در پیش گرفته‌شده را تصمیم ارادی گذاشت. نکته مهم برای من تجربه کردن راهای جدید و ناشناخته است. البته ناگفته نماند که مسیر حرفه‌ای من به‌عنوان بازیگر و کارگردان تئاتر همچنان به قوت خود باقی است.»

کارگردان کنسرت- نمایش «ناکجا آباد» در پاسخ به این سؤال که چقدر به موسیقی علاقه دارد و چطور وارد این پروژه شده است، توضیح داد: «به اعتقاد من، موسیقی بخشی از وجود هر انسان است؛ یعنی هر کسی با هر طرز تفکر و هر سلیقه‌ای حداقل یک شکل یا سبک از

«ناکجا آباد» گفت: «من در دانشگاه افتخار شاگردی جناب صدق داشتم و چندین بار هم به‌عنوان بازیگر تجربه همکاری با ایشان را داشتم. نکته‌ای که در تجربه‌های گذشته‌ام با جناب صدق برای من بسیار دلنشین و دوست‌داشتنی بود، توانایی خلق و معناسازی ایشان با نور بود.»

او افزود: «پس از گفت‌وگوهایی که با هم داشتیم و معانی و مفاهیم مد نظرم را به ایشان منتقل کردم، طراحی نور را انجام دادند، تست زبیم و دقیقاً هر آنچه را که از فضا سازی و روایتگری و زیبایی‌شناسی از نور می‌خواستیم در مقابلم دیدم. در واقع برای من طراحی نور این کار هم مشابه مواردی است که پیش‌تر گفتم؛ ترکیبی از نورپردازی تئاتر و فضای نوری دینامیک کنسرت موسیقی.»

ادبیات، شیرازه فرهنگ یک ملت است
ملیئا فرجی، نوازنده سننور کنسرت- نمایش «ناکجا آباد» درباره ارتباط با ادبیات داستانی و شعر گفت: «ادبیات چهارچوب و شیرازه فرهنگ یک ملت است و ما به عنوان یک فعال هنری، همواره باید در قالب این چهارچوب فرهنگی عمل کنیم. من به عنوان یک موسیقیدان، اگر دانشی در زمینه شعر و داستان نداشته باشم، قاعداً قادر به انتقال هیج مفهومی نخواهم بود. ریتم موسیقی و بدن ما هنگام ناختمن از قواعد و احساسات ادبی سرچشمه می‌گیرد و برای انتقال مفهوم که هدف اصلی هنر است، کلام و محتوای ادبی، عنصری تأثیرگذار است.»

او همچنین در پاسخ به سؤالی با محور تألیف در این حوزه افزود: «برای هر شخص و هنرمندی که فعال فرهنگی جامعه هنری است، مؤلف بودن و تألیف کردن فرایند جذابی است و به تبع آن یک امر مسئولیت‌دار است چرا که وقتی ما از تألیف صحبت می‌کنیم در واقع یک برداشت شخصی از فرهنگ را به جامعه یک محصول و ایده جدید به جامعه ارائه می‌دهیم که خود دارای اثرات منفی و مثبت زیادی خواهد بود و این امری طبیعی است که اگر یک اثر خوب باشد، به باوری و رشد فرهنگی جامعه کمک شایانی خواهد کرد و برعکس، اگر یک اثر نامناسب باشد، در کوتاه‌مدت منجر به آسیب‌زدن به فرهنگ یک جامعه می‌شود. البته که فرهنگ هر جامعه عنصری بسیار قدرتمند است که به ندرت دچار خدشه و آسیب می‌شود و اگر قرار است یک اثر به یک فرهنگ آسیب وارد کند، آن آسیب لحظه‌ای بوده و بیشتر لایه‌های خارجی آن به صورت ظاهری و برای کوتاه‌مدت آسیب خواهد دید. من معتقدم یک مؤلف باید شناخت کافی از محیط و مخاطب خود داشته باشد و بتواند به طور دقیق نقاط کشف نشده را شکار کرده و به مخاطب عرضه کند.»



اگر هنرمان واقعی باشد، بدون تلاش ما، مخاطب به صحنه جذب خواهد شد. هنر نجیب نیازی به پروپاگاندا ندارد